

## پس لرزه‌های قانون نفت عراق

پرداخت کنند و آنگاه خواهند توانست هر اندازه دیگری که نفت کشف کنند را صادر کنند که البته این میزان احتمالا بسیار هنگفت خواهد بود. متن این قانون به شرکت‌ها اجازه خواهد داد که ادعا کنند نفت هنوز متعلق به عراق است ولی حق استخراج آن در اختیار شرکت‌های نفتی است. در این قانون نه دولت عراق و نه شرکت‌های نفتی خصوصی عراق از هیچ اولیبتی برای کسب و انعقاد قراردادهای برخوردار نیستند. هیچ الزام قانونی نیز برای شراکت با یک شرکت عراقی، استخدام کارگران عراقی، یا انتقال فناوری وجود ندارد. شرکت‌های خارجی همچنین می‌توانند هم‌اکنون قرارداد امضا می‌کنند اما بعد از دو سال کار را شروع کنند.

بر اساس قانون نفت عراق، یک شورای فدرال نفت و گاز عراق تاسیس خواهد شد که در مورد نوع قراردادهایی که به امضا خواهد رسید حق تصمیم‌گیری تام دارد. این شورا علاوه بر دیگران، شامل مدیرانی از شرکت‌های نفتی مهم خواهد بود. لذا این امکان نیز وجود دارد که مدیران ارشد یا مدیران اجرایی شرکت‌های نفتی خارجی نیز در این شورا حضور داشته باشند.

این که روسای شرکت‌های نفتی خارجی بتوانند در هیاتی حضور داشته باشند که وظیفه آن تصمیم‌گیری در مورد نفت و گاز عراق است تا حد زیادی میزان نفوذ شرکت‌های خارجی را در صنعت نفت و گاز عراق به تصویر می‌کشد. همسایگان عراق مانند ایران، کویت و عربستان نظام ملی را حفظ و کنترل خارجی‌ها بر توسعه نفتی را غیرقانونی عنوان کرده‌اند. آن‌ها شرکت‌های خارجی را به عنوان پیمانکار استخدام می‌کنند تا خدمات ویژه مورد نیاز خود را برای دوره کوتاه برطرف کنند. آن‌ها به شرکت‌های خارجی منافع مستقیم در نفت تولیدی نمی‌دهند. <<<

در آخرین ماه‌های پایانی سال ۸۵ درست هنگامی که در ایران بحث ملی شدن صنعت نفت یک بار دیگر در اذهان عمومی مطرح شده بود، در همسایگی ایران، عراق قانونی تصویب شد که در آن نقش و حضور شرکت‌های بین‌المللی برای توسعه صنایع نفت و گاز این کشور مورد تایید رسمی قرار گرفت. قانونی که به نظر می‌رسد در صورت اجرایی شدن، روند قراردادهای نفتی خاورمیانه را نیز با تغییر جدی روبرو سازد.

کارشناسان سیاسی از مدتها پیش از حمله نظامی آمریکا به عراق همواره بر نقش نفت این کشور در تامین نیازهای کشورهای صنعتی تاکید بسیار داشتند و بر این اعتقاد بودند که دیگر انزوای عراق و تحریم این کشور منافع غرب را تامین نمی‌کند. این گونه بود که باز شدن صنعت نفت عراق هدف قرار گرفت. و جنگی دیگر در منطقه نفت‌خیز خاورمیانه بوقوع پیوست. حال که قانون اساسی و قانون نفت این کشور به تصویب رسیده می‌توان دقیق‌تر در مورد اهداف جنگ سخن گفت.

بر طبق ماده ۱۰۹ قانون اساسی عراق، نفت و گاز در تملک همه مردم عراق در همه مناطق و استانهاست. در ماده ۱۱۰ نیز ذکر شده که دولت فدرال مسئول اداره امور نفت و گاز استخراج شده از چاه‌های فعلی به همراه دولت‌های منطقه‌ای و استان‌های تولیدکننده است تا درآمدهای حاصله به صورت منصفانه و متناسب با توزیع جمعیتی سراسر کشور تقسیم شود و سهم دوره‌های مشخص هر منطقه که متضرر شده و رژیم سابق در حق آن اجحاف کرده است، تعیین شود تا توسعه متوازن بخش‌های مختلف کشور تضمین گردد و این امر براساس قانون صورت می‌گیرد. در بند دیگر این ماده نیز ذکر شده که دولت فدرال و دولت‌های منطقه‌ای و استان‌های تولیدکننده با هم سیاست‌های استراتژیک لازم

برای گسترش ثروت نفت و گاز را ترسیم می‌کنند تا با استفاده از پیشرفته‌ترین فن‌آوری و اصول بازار و تشویق به سرمایه‌گذاری بیشترین منافع برای ملت عراق تحقق یابد.

جنبش‌های واژه‌ای که در این قانون بکار رفته عبارت چاه‌های فعلی یا منابع موجود است. گویی نوعی تفکیک بین منابع جدید و منابع موجود بکار رفته است.

بر این اساس شرکت ملی نفت عراق تنها کنترل ۱۷ مخزن از ۸۰ میدان نفتی مشخص این کشور را در دست خواهد داشت و دو سوم از مخازن ناشناخته در اختیار خارجی‌ها خواهد بود.

به عبارت دقیق‌تر قانون جدید نفتی عراق این صنعت را از حالت ملی خارج و آن را در اختیار شرکت‌های بین‌المللی قرار می‌دهد.

این قانون به دولت اجازه می‌دهد قراردادهای اکتشافی حق اکتشاف

ذخایر دست نخورده خود را به شرکت‌های نفتی واگذار کند که تا ۳۰

سال قابل تمدید است. دولت عراق به شرکت‌های نفتی خارجی ۱۰ سال اجازه

خواهد داد به اکتشاف و توسعه حوزه‌های نفتی این کشور بپردازند. با به پایان رسیدن

مهلت قرارداد، این شرکت‌ها می‌توانند مذاکره کنند تا طی مشارکت با شرکت ملی نفت عراق تا ۲۰ سال دیگر اقدام به تولید نفت نمایند. شرکت‌های نفت خارجی آنگاه بایستی ۱۲/۵ درصد از ارزش نفت عراق را به عنوان حق بهره‌برداری به دولت عراق



به اجرا درآمده در ایالت آلاسکا شکل گیرد تا هر شهروند واجد شرایط، سهمی از درآمدهای نفت دریافت کند.

این تحولات در کشوری که سالیان سال با دیکتاتوری خو گرفته زمینه‌ساز تحولات بسیاری در منطقه خواهد شد. توزیع پول نفت، حضور شرکت‌های خارجی در عراق و دیگر مسائلی از این دست، آرام‌آرام سیاست دیگر کشورها را نیز تغییر خواهد داد.

در ایران نیز تحولات منطقه درک شده است. افرادی که تا دیروز منتقد قراردادها بودند و مسئولان تصمیم‌گیر وزارت نفت را خیانت کار معرفی می‌کردند تن به اصلاحاتی داده‌اند که به موجب آن زمان حضور خارجی‌ها در پروژه‌های نفت و گاز به ۴ برابر افزایش یافته است. نمایندگان مجلس نیز بر این امر تاکید دارند که در این شرایط نمی‌توان چندان سختگیرانه برخورد کرد.

براساس شکل جدید قراردادهای بیع متقابل شرکت‌های خارجی می‌تواند به صورت موردی بعد از به تولید رسیدن میدان با امضای قراردادهای فنی و با طور دیگر مدت حضور خود را در پروژه افزایش دهند. این در حالیست که تا پیش از این همزمان با تولید میدان زمان حضور شرکت خارجی که اجرای پروژه را به عهده داشت، پایان می‌گرفت. کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در کشور و از آن طرف نیاز کشور به افزایش سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز کشور مسوولان را بر آن داشت تا هر چه

سریعتر اقداماتی در خصوص اصلاح قراردادهای بیع متقابل انجام دهند. در شکل قدیمی قراردادهای بیع متقابل چنانچه شرکت خارجی نمی‌توانست میزان تولید تعیین شده در مورد میدان تحت توسعه خود را متحقق کند می‌بایست خسارت می‌پرداخت. در شکل جدید از قراردادهای نیز این ماده گنجانده شده است اما چنانچه شرکت نفتی بتواند تولید میدان را به رقمی بیشتر از سقف تعیین شده برساند از مزایای بیشتر برخوردار خواهد شد.

همچنین بودجه سرمایه‌ای را می‌توان در مراحل بعدی اجرای پروژه تعیین کرد و بدین وسیله تخمین دقیق‌تری در مورد هزینه‌های پروژه زده شود. براساس یکی دیگر از مفاد قراردادهای بیع متقابل جدید، شرکت خارجی در هر مرحله‌ای از اجرای پروژه می‌تواند از آن خارج شود. بیژن نامدار زنگنه، وزیر سابق نفت نیز نگاهی مثبت به طولانی شدن زمان حضور سرمایه‌گذاران در اجرای پروژه دارد اما به این نکته اشاره می‌کند که این طولانی شدن

زمان حضور به چه شکل صورت گرفته است یعنی به متن حقوقی قرارداد و محتوای آن بستگی دارد و همین طوری نمی‌توان گفت که حضور بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی در یک پروژه مثبت است یا منفی. این تغییرات قطعاً نقطه آغازین خواهد بود و باید باز هم تحولات منطقه را مد نظر قرار داد. ❀

▶ آن‌ها برای فعالیت در کشورهای منطقه مثلاً ایران باید شریک داخلی انتخاب کنند، انتقال فناوری و آموزش انجام دهند، از نیروی کار بومی و تجهیزات داخلی استفاده کنند. حال اگر آزادسازی صنعت نفت عراق را در کنار محدودیت دیگر کشورهای نفتی خاورمیانه برای حضور شرکت‌های خارجی قرار دهیم به خوبی می‌توان به جذابیت بازار عراق برای سرمایه‌گذاران خارجی پی برد.

عراق طبق آخرین مطالعات ۱۱۵ میلیارد بشکه نفت و ۱۱۰ تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز در اختیار دارد. اکثر کارشناسان نیز میزان ذخایر را بیش از این میزان تخمین می‌زنند. رقم ۳۰۰ میلیارد بشکه نفت نیز ذکر شده است. هزینه استخراج نفت نیز در عراق بشکه‌ای یک دلار برآورد شده است. حال با توجه به قیمت نفت بشکه‌ای ۶۰ دلار می‌توان سخن از انگیزه بالای شرکت‌ها برای ورود به بازار عراق سخن گفت.

افزایش توان تولید نفت عراق و نفوذ شرکت‌های خارجی حتی می‌تواند توان سازمان اوپک را نیز به شدت محدود سازد. برخی در این میان حتی سخن از نابودی اوپک نیز مطرح کرده‌اند. سازمانی که عراق خود یکی از بنیانگذاران آن بود.

آنتونی یوهاس، تحلیلگر مرکز مطالعاتی تغییر بین‌المللی نفت در مقاله‌ای که در روزنامه نیویورک تایمز با عنوان این نفت از آن کیست؟ به چاپ رساند، نوشت: امروزه بیش از یک سوم از نفت جهان تحت کنترل دولت‌ها است حال آن که وضع در ۳۵ سال

پیش به این منوال نبود آن زمان نفت در اختیار هفت شرکت بزرگ مستقر در آمریکا و اروپا بود، اما اکنون این هفت شرکت در چهار شرکت، اکسون موبیل، شورو، شل و بی‌پی خلاصه شده‌اند. این تحلیلگر نفتی افزوده است این شرکت‌ها که در زمره بزرگترین شرکت‌های نفتی هستند، از آن زمان تاکنون کنترل انحصاری بر نفت را به دولت‌ها سپرده‌اند و حال در تلاشند این کنترل را باز پس گیرند.

بنا به گفته آقای حسین ابن یوسف متخصص امور نفتی، برای شرکت‌های نفتی بزرگ غربی، دو نکته دسترسی به نفت و کنترل بر حوزه‌های نفتی همواره مهم بوده است. به نفع کشورهای میزبان و تولیدکننده نیز هست که نفت در دسترس بازار باشد، چرا که نیازهای مالی و داخلی آنها را تامین می‌نماید. ولی تولیدکننده به خاطر تمامیت ارضی، با مقوله واگذاری کنترل حوزه‌های نفتی با شرکت‌های نفتی اختلاف منافع دارد. شرکت‌های

نفتی مدعی‌اند که در بازار سهام، قیمت سهام آنها با ذخایر تحت کنترل آن شرکت‌ها رابطه مستقیم دارد. ولی به گفته حسین ابن یوسف، منطقی نیست که مقدار کنترل ذخایر تنها معیار ارزیابی باشد، بلکه معیار سوددهی به عوامل دیگری چون پیشرفت تکنولوژی، اکتشافات و بازار بستگی دارد. اکثر قراردادهای نفتی جهان سرویس کنتراست یا بیع متقابل می‌باشند که کوتاه مدت، ۶، ۷ یا ۱۲ سال می‌باشند؛ با یک نرخ معین. طبق این قراردادها، نوسانات قیمت و اضافه هزینه گردن شرکت‌های نفتی می‌باشد. ولی شرکت‌های نفتی به قراردادهای بلندمدت PSA موافقت‌های مشارکت در تولید علاقه‌مند هستند که با ریسک کمتر و قیمت پایین برای شرکت‌های خارجی حساب شده و اضافه هزینه به گردن کشور میزبان می‌باشد، ولی در واقعیت جزئیات هر یک از قراردادها تعیین کننده است و نه طبقه‌بندی یا اسم آن.

نکته دیگر که در خصوص عراق باید بدان توجه داشت، توزیع پول نفت عراق میان سه منطقه است که این امر توان دولت مرکزی را در حد پایینی قرار می‌دهد. از دیگر پیشنهادها مطرح شده این است که بخشی از درآمدهای نفتی بطور مستقیم براساس سرانه جمعیت تقسیم‌بندی شود. این پیشنهادها این امکان را برای همه شهروندان عراقی فراهم می‌آورد که سهمی در منبع اصلی طبیعی این کشور داشته باشند. برای انجام این کار باید «صندوق نفت عراق» مشابه برنامه

## شرکت ملی نفت عراق تنها کنترل ۱۷ مخزن از ۸۰ میدان نفتی مشخص این کشور را در دست خواهد داشت و دو سوم از مخازن ناشناخته در اختیار خارجی‌ها خواهد بود. به عبارت دقیق‌تر قانون جدید نفتی عراق این صنعت را از حالت ملی خارج و آن را در اختیار شرکت‌های بین‌المللی قرار می‌دهد

